

رسالات زندان پولس

درس
چهارم

پولس و فیليمون



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2020 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: رسالات زندان پولس (درس شماره ۴: پولس و فیلیمون)

مدرس: ریجی کید

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدسی) گرفته شده است.

ii.

جهت دریافت سایر دروس و راهنمای مطالعه به بخش فارسی خدمات مسیحی هزاره سوم مراجعه کنید:

farsi.thirdmill.org

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) پیش‌زمینه

افراد

فیلمون
اونیسموس
شاهدین

مشکل

وساطت

درخواست اونیسموس
موافقت پولس

(۳) ساختار و محتوا

تحيات

شکرگزاری

درخواست

پولس مدافع
اونیسموس خواهان
فیلمون ارباب
خدای حاکم
درخواست
اطمینان

تحيات پایانی

(۴) کاربرد امروزی

جواب‌گویی

شفقت

مهربانی
شفاعت

مصالحه

(۵) نتیجه‌گیری

پولس و فیلیمون

مقدمه

اکثر ما زمان‌هایی را تجربه کرده‌ایم که گویی دوستی به ما مدیون است. شاید کار خوبی برای دوست‌تان انجام داده‌اید - هدیه‌ای به او داده‌اید یا کمک خاصی به او کرده‌اید. بعد، زمان‌هایی پیش می‌آیند که شما به کمک احتیاج دارید و به همین خاطر، سراغ دوست‌تان می‌روید و از او می‌خواهید که دین خود را ادا کند. معمولاً در چنین مواقعی ما نزد دوست‌مان می‌رویم و می‌گوییم: «می‌دونم که شاید نخواستی این کار رو انجام بدی، ولی من واقعا به کمک تو احتیاج دارم و تو یکی به من بدهکاری.»

پولس رسول هم از بسیاری جهات، با موقعیتی مانند این روبرو شد. او به لطفی از طرف دوستش فیلیمون احتیاج داشت. بنابراین، نامه‌ای به فیلیمون نوشت و به او یادآوری کرد که چه کارهایی برای او انجام داده است و حالا در عوض، انتظار لطفی از سوی او دارد.

این چهارمین درس از مجموعه دروس «رسالت زندان پولس» است. ما این درس را «پولس و فیلیمون» نامیده‌ایم چون نگاهی دقیق به نامه‌ای که پولس به دوست خود فیلیمون، یکی از اعضای کلیسای کولسی، نوشت خواهیم انداخت. خواهیم دید که چطور پولس از فیلیمون لطفی تقاضا کرد و از او خواست با برده‌اش اونیساموس که به تازگی به مسیح ایمان آورده بود، آشتی کند.

مطالعه ما درباره پولس و فیلیمون به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: نخست، پیش‌زمینه نامه پولس به فیلیمون را بررسی می‌کنیم. دوم، ساختار و محتوای نامه پولس به فیلیمون را واریسی خواهیم کرد. و سوم، بر کاربرد امروزی این نامه متمرکز خواهیم شد. بیایید ابتدا نگاهی به پیش‌زمینه نامه پولس به فیلیمون بیندازیم.

پیش‌زمینه

نامه پولس به فیلیمون، حداقل از دو نظر با دیگر رسالت زندان او متفاوت است. از یک سو، به شکل بارزی از دیگر نامه‌هایی که در طول دوران زندان خود نوشت، کوتاه‌تر است. در حقیقت، این نامه تنها به یک مشکل می‌پردازد. و از سوی دیگر، به جای یک کلیسا، به یک فرد نوشته شده بود که یعنی، عمیقا شخصی است. این به معنای آن است که هرچه فیلیمون و دیگر افراد دخیل در این نامه، و موقعیتی که پولس به آن پرداخت را بهتر بشناسیم، بهتر می‌توانیم برای درک تعلیم پولس در این نامه، و به‌کارگیری آن در زندگی امروزی خود آماده شویم. از سه طریق به کاوش در پیش‌زمینه نامه پولس به فیلیمون خواهیم پرداخت: نخست، افرادی را که در موضوع مورد اشاره پولس در نامه‌اش دخیل هستند را خواهیم شناخت. دوم، به مشکلی که باعث نگارش نامه پولس

شد نگاه خواهیم کرد. و سوم، دخالت و وساطت پولس در این مشکل را بررسی خواهیم کرد. بیایید ابتدا توجه‌مان را به افرادی معطوف کنیم که در این موضوع دخیل هستند.

افراد

از افراد بسیاری در نامه پولس به فیلیمون نام برده شده است، اما ما بر آنانی تمرکز می‌کنیم که مستقیم یا غیر مستقیم در لطفی که پولس از فیلیمون درخواست کرد، دخیل بودند. نخست، خود فیلیمون را معرفی می‌کنیم. دوم، به برده فیلیمون، اونیسیموس می‌پردازیم. و در آخر، به تعدادی از افراد اشاره می‌کنیم که به عنوان شاهدین پولس در موضوع دخالت او در مسئله بین فیلیمون و اونیسیموس، نقش داشتند. بیایید ابتدا با فیلیمون شروع کنیم؛ مردی که پولس این رساله را به او نوشت.

فیلیمون

در نامه پولس به فیلیمون، اشاره‌ای به شهر محل اقامت او نشده است، اما کولسیان ۴: ۹ نشان می‌دهد که اونیسیموس، برده فیلیمون، ساکن کولسی بود. به کلام پولس در آن بخش توجه کنید:

[تیخیکوس] همراه اونیسیموس، برادر امین و عزیز ما که از خود شماس است، نزدتان می‌آید (کولسیان ۴: ۹، هزاره نو).

از آنجا که در زمان نگارش کولسیان، اونیسیموس با ارباب خود فیلیمون زندگی می‌کرد، می‌بایست فیلیمون نیز در کولسی زندگی کرده باشد.

کولسی شهر نسبتاً کوچکی بود که در دره لیکوس، نزدیک شهرهای لائودیکیه و هیراپولیس قرار داشت. دره لیکوس در منطقه فریجیه، در استان رومی آسیا قرار داشت که امروزه به نام آسیای صغیر شناخته می‌شود. به نظر می‌رسد که فیلیمون فعالانه در خدمت به دیگر ایمانداران در کولسی شرکت داشت. برای نمونه، در فیلیمون آیه ۷، پولس از این صحبت کرد که چطور فیلیمون به دل‌های ایمانداران طراوت و تازگی بخشیده است. پولس آنچنان احترامی برای فیلیمون قائل بود که در آیه ۱۷ از او به عنوان شریک خود در خدمت انجیل یاد می‌کند. و حتی در آیه ۲، پولس فیلیمون را به عنوان کسی معرفی می‌کند که خانه او پذیرای کلیسای محلی است. اما فرای این، به نظر می‌رسد که فیلیمون گذشته‌ای قابل ملاحظه با پولس داشت که پیوندی بین این مردان به وجود آورده بود. به آنچه پولس در آیه ۱۹ به یاد فیلیمون آورد دقت کنید:

تو جان خود را نیز به من مدیونی (فیلیمون ۱۹، هزاره نو).

به احتمال بسیار زیاد، منظور پولس این بود که او فیلیمون را به ایمان آورده بود، اگرچه این هم ممکن است که او به معنای واقعی کلمه زندگی فیلیمون را به شکل دیگری نجات داده باشد. اما موضوع هرچه که بوده، فیلیمون دین سنگینی به پولس داشت.

همچنین می‌توانیم استحکام رابطه آنان را در دعای فیلیمون برای آزادی پولس از زندان، و برنامه پولس برای اقامت پولس نزد فیلیمون پس از آزادی ببینیم. سخنان پولس در این باره را در فیلیمون ۲۲ می‌خوانیم:

اتاقی نیز برایم مهیا کن، زیرا امید دارم به سبب دعاهای تان به شما بخشیده شوم (فیلیمون ۲۲، هزاره نو).

کتاب مقدس توضیح نمی‌دهد که چطور پولس، فیلیمون را شناخت. اما همانطور که در درس‌های پیشین دیدیم، پولس طی دومین و سومین سفر بشارتی خود، از فریجیه گذر کرد. اما همچنین، همانطور که دیدیم، پولس با کلیساهای دره لیکوس آشنایی نداشت. حقیقت این است که نمی‌دانیم فیلیمون و پولس چطور با هم دوست شدند. اما می‌توانیم با اطمینان بگوییم که به خوبی یکدیگر را می‌شناختند.

اونیسوس

دومین کسی که باید معرفی کنیم، اونیسوس است. با توجه به آیه ۱۶ فیلیمون، اونیسوس برده فیلیمون بود؛ گرچه روشن نیست که چه نوع برده‌ای بود و یا چه خدمتی به فیلیمون می‌کرده است. در امپراتوری روم طی قرن اول، برده‌داری بسیار رایج بود. یک سوم جمعیت امپراتوری، از انواع مختلف بردگان تشکیل شده بود. بردگان معمولاً در تملک افراد متمول بودند و وضعیت آنان عمدتاً به صاحبان‌شان بستگی داشت.

بعضی بردگان رومی بی‌سواد بودند و وظایفی پست انجام می‌دادند، اما دیگران با سواد بودند — برخی در سطوح بالا — و متناسب با تحصیلات‌شان خدمت می‌کردند. آنان می‌توانستند مدیران خانه، حسابدار، معلم خانگی، و یا در هر مقام دیگری باشند که مورد نیاز بود.

اگرچه به طور کلی آزادی به بردگی ترجیح داده می‌شود، اما لازم به ذکر است که تعدادی از افراد فقیر برای دستیابی و اطمینان از غذای روزانه و سرپناه، داوطلبانه خود را به بردگی می‌فروختند. ما از گزارشات تاریخی می‌دانیم که در کلیسای اولیه، برخی مسیحیان خود را برای جمع‌آوری پول جهت امور خیریه مانند تغذیه فقرا، به بردگی فروخته بودند.

به طور کلی، اربابان نسبت به بردگان خود از حقوق مطلق برخوردار نبودند. قانون روم به بردگان اجازه می‌داد که درآمد و املاک داشته باشند که شامل دیگر بردگان نیز می‌شد، و حتی اینکه آزادی خود را از اربابان‌شان

بخرند. و فراتر از این حقوق، بسیاری از بردگان وقتی به سن سی سالگی می‌رسیدند، آزاد می‌شدند؛ اگرچه این عمل، الزام قانونی نداشت.

از آنجا اونیسیموس برده فیلیمون بود، عضو خانه فیلیمون محسوب می‌شد. اما اونیسیموس بر خلاف ارباب خود، ایماندار نبود — حداقل در ابتدای امر. اما وقتی اونیسیموس خانه فیلیمون را در طلب کمک از پولس ترک کرد، پولس رسول او را به سوی ایمان به مسیح رهنمون شد و محبت بسیار زیادی به او پیدا کرد. پولس با نوشتن این سخنان در آیات ۱۰-۱۶ فیلیمون، محبت خود به اونیسیموس را ابراز کرد:

درباره پسر اونیسیموس که در بند او را پدر شده‌ام، استدعایی از تو دارم... [او] پاره تن من است... او مرا بس عزیز است (فیلیمون ۱۰-۱۶، هزاره نو).

پولس اونیسیموس را «پسر» خود خواند چون او را به ایمان بر مسیح رهنمون شده بود و محبتی پدرانه به او داشت. علاوه بر این دو شخصیت اصلی، پولس به تعدادی دیگر از کولسیان در نامه خود به فیلیمون اشاره کرد که شامل آپفیا، آرخیپوس، و اپافراس می‌شوند. هر یک از این افراد نیز با فیلیمون ارتباط داشتند. احتمالاً پولس با این انتظار به آنها اشاره کرد که به عنوان شاهدینی آشنا، در تقاضای او از فیلیمون به نمایندگی از اونیسیموس، به وی کمک کنند.

شاهدین

پولس در ابتدای نامه به آپفیا و آرخیپوس اشاره کرد، که می‌توان آن را در آیات ۱-۲ فیلیمون یافت. بشنویید که پولس آنجا چه نوشت:

به دوست عزیز و همکار ما فیلیمون، به خواهر ما آپفیا و هم‌زم ما آرخیپوس، و به کلیسایی که در خانه‌ات بر پا می‌شود (فیلیمون ۱-۲، هزاره نو).

اشاره پولس به آپفیا به عنوان «خواهر» صرفاً نشان می‌دهد که او ایماندار بوده است. اما از آنجا که بین او و بقیه کلیسا تمایزی گذاشته شده است، بیشتر به نظر می‌رسد که او عضوی از خانواده فیلیمون، احتمالاً همسر او، باشد. آرخیپوس شاید میزبان کلیسای محلی بوده است، اگرچه می‌توان این آیه را طوری نیز خواند که گویی کلیسا در خانه فیلیمون جمع می‌شده است. اما هر چه که بوده، با توجه به ماهیت نامه، به احتمال زیاد از او به عنوان فردی موثر بر فیلیمون نام برده شده است؛ چه به عنوان شبان کلیسای محلی و یا عضوی از خانواده فیلیمون.

دربارهٔ اپافراس، از دروس پیشین به یاد می‌آورید که او موسس کلیسای کولسی بود و از طرف کلیساهای درهٔ لیکوس برای خدمت به پولس در زندان فرستاده شده بود. از آنجا که وی در آن زمان با پولس در زندان بود، نمی‌توانست نقش یک شاهد محلی را داشته باشد، اما جایگاه او در کلیسا، نظرش را قابل احترام می‌ساخت. بنابراین، پولس یک سلام ویژه از طرف اپافراس را در نامه‌اش آورد. به این سخنان که در آیات ۲۳ و ۲۴ فیلیمون هستند گوش کنید:

اپافراس، هم‌زندان من در مسیح عیسی، تو را سلام می‌فرستد. همچنین همکارانم، مرقس، آریستارخوس، دیماس و لوقا تو را سلام می‌گویند (فیلیمون ۲۳-۲۴).

دقت کنید که سلام از طرف اپافراس اول آمده، و از دیگران طولانی‌تر و متمایز است. این تاکید بر اپافراس به فیلیمون نشان می‌داد که او دارد کاری فراتر از سلام رساندن انجام می‌دهد؛ او همچنین مشتاق بود که اطمینان پیدا کند فیلیمون پاسخ مناسبی به نامهٔ پولس می‌دهد.

مشکل

بعد از معرفی افرادی که از نزدیک به موضوع نامهٔ پولس مربوط می‌شدند، نوبت آن رسیده است که به خودِ مشکل پردازیم. دقیقاً چه اتفاقی افتاده بود که به شفاعت پولس نیاز داشت؟ بر کسی پوشیده نیست که بعضی کارگران، کارگرهای خوبی نیستند؛ بعضی خدمت‌گزاران، خدمت‌گزار خوبی نیستند، و برخی از مردم از قبول مسئولیت‌ها و انجام تعهدات‌شان سر باز می‌زنند. و متأسفانه، به نظر می‌رسد که اونیساموس نیز اینچنین فردی بود. قصورات او، چه از سر تنبلی، سهل‌انگاری، و یا دشمنی، ارباب او را خشمگین کرده بود — به حدی که اونیساموس از مجازات توسط فیلیمون به شدت ترسیده بود. و به همین خاطر، برای فرار از این مجازات، خانهٔ فیلیمون را ترک کرد. به سخنان پولس دربارهٔ اونیساموس خطاب به فیلیمون در آیهٔ ۱۱ گوش کنید:

سابقاً او برای تو بی‌فایده بود (فیلیمون ۱۱).

اینجا بازی با کلمات وجود دارد. اسم «اونیساموس» در واقع از واژه‌های یونانی به معنای «مفید» یا «سودبخش» گرفته شده است. اما پولس در اینجا می‌گوید اونیساموس بی‌فایده‌گی خود را اثبات کرده بود. در این بازی با کلمات پولس این امتیاز را به فیلیمون بخشید که اونیساموس حقیقتاً برده‌ای بی‌فایده یا بی‌سود بوده است.

بدتر از این، با توجه به آیه ۱۸، اونیسوس عملاً باعث خسارتی چشمگیر به فیلیمون شده بود. به کلام پولس گوش کنید:

اگر ضرری به تو رسانیده باشد یا طلبی از او داشته باشی، آن را بر من محسوب دار (فیلیمون ۱۸).

درک بسیاری از مفسران از این آیه، این است که به دزدی اونیسوس از فیلیمون اشاره دارد؛ که جرمی رایج در بین بردگان خانگی بود. اما ممکن است اونیسوس از طرق دیگری مانند مدیریت ناکارآمد منابع خانگی، یا تخریب و اتلاف دارایی به فیلیمون ضرر زده باشد.

به هر روی، فیلیمون حق داشت که عصبانی باشد، و اونیسوس هم احتمالاً دلیل خوبی برای ترس از فیلیمون داشت. اربابان تحت قانون روم حق داشتند که بردگان خود را به شدت مجازات کنند، حتی با ضرب و شتم شدید. اونیسوس آنقدر نگران خشم فیلیمون بود که از ترس فرار کرد. پولس در آیه ۱۵ فیلیمون به همین موضوع اشاره داشت؛ او نوشت:

شاید بدین جهت ساعتی از تو جدا شد تا او را تا به ابد دریابی (فیلیمون ۱۵).

از قرار معلوم، خود فیلیمون از اونیسوس نخواستہ بود که آنجا را ترک کند، و احتمالاً عزیمت او را تایید نکرده بود. اما پولس اظهار کرد که خدا دلیلی داشت که اجازه این اتفاق را داده بود. طی این زمان جدایی، خدا اونیسوس را عوض کرد؛ طوری که او تبدیل به فایده بزرگی برای فیلیمون شده بود. در امپراتوری روم، بردگانی که بدین شکل ارباب خود را ترک کرده بودند، الزاماً فراری محسوب نمی شدند. اگر آنها بدون قصد بازگشت گریخته بودند، فراری محسوب می شدند. اما قانون به بردگان اجازه ترک موقت اربابان خود را می داد تا وکیل یا واسطه‌ای پیدا کنند که بتواند آنان را با اربابشان آشتی دهد. چندین حقوق دان رومی، این حقیقت را ثبت کرده‌اند. به طور مثال، ویویانوس که در بین سال‌های ۹۸ تا ۱۱۷ پس از میلاد نوشته است، اینطور استدلال کرد:

اگر برده‌ای ارباب خود را ترک کند و نزد مادر خود برود، فراری خواندن یا نخواندن او پرسشی است که باید به آن توجه شود؛ اگر گریخته تا خویش را پنهان سازد و به ارباب خود رجوع نکند، فراری است؛ اما اگر در طلب کاهش برخی از اعمال اشتباه خود به واسطه تضرعات مادرش باشد، فراری نیست.

به طریق مشابه، پروکلوس نیز در اوایل قرن نخست، چنین نوشت:

برده‌ای که فکر می‌کند ارباب او در پی تنبیه جسمی وی است، و خود را نزد دوستی می‌رساند تا او را به تضرع به نمایندگی از خویش برانگیزد، فراری نیست.

و پائولوس، در اواخر قرن دوم چنین تفسیری ارائه کرد:

برده‌ای که خود را به نزد یکی از دوستان اربابش می‌رساند تا از او طلب وساطت کند، فراری نیست.

این تفسیرات قانونی نشان می‌دهند که قانون روم، مادامی که بردگان نزد فرد دیگری در طلب کمک فرار می‌کردند و قصد به دست آوردن آزادی خویش را نداشتند، اجازه فرار از اربابشان را می‌داد. بنابراین، اگر اونیسیموس گریخته بود تا از پولس بخواهد که نزد فیلیمون وکیل و شافع او باشد، فراری محسوب نمی‌شد. پس به طور خلاصه، مشکل در خانه فیلیمون این بود که اونیسیموس عمداً یا سهواً، از طریق تنبلی، سهل‌انگاری، و یا دشمنی باعث خسارت به فیلیمون شده بود. این مشکل باعث تنش بین اونیسیموس و فیلیمون شد که احتمالاً شامل خشم فیلیمون و قصد او برای تادیب اونیسیموس، و نیز ترس اونیسیموس گشت. و در نهایت، با گریز اونیسیموس از نزد فیلیمون، به اوج خود رسید. شاید فیلیمون گمان کرده که اونیسیموس یک فراری بود. اما انگیزه‌های حقیقی اونیسیموس هنوز نامشخص بود.

وساطت

حال که افراد و مشکلی که پولس در نامه خود به فیلیمون به آنها اشاره کرد را شناختیم، باید به موضوع وساطت پولس بین فیلیمون و اونیسیموس بپردازیم. در توجه به وساطت پولس، به دو مسئله نگاه خواهیم کرد: درخواست اونیسیموس برای اینکه پولس وکیل او بشود؛ و دوم، موافقت پولس برای دفاع از اونیسیموس. بیایید ابتدا به درخواست اونیسیموس از پولس بپردازیم.

درخواست اونیسیموس

در زمان این نامه، پولس محبوس بود. همانطور که درس‌های پیشین گفتیم، به احتمال زیاد در روم زندانی بود، اگرچه این احتمال نیز وجود دارد که در قیصریه ماریتیمه بوده باشد. اما چه در روم بوده و یا قیصریه ماریتیمه، با کولسی که محل زندگی فیلیمون بود فاصله زیادی داشت.

بر طبق نظریهٔ برخی محققین، این فاصله برای اونیسموس طولانی‌تر از آن بوده است که صرفاً برای وکالت یا شفاعت به پولس رجوع کرده باشد. در نتیجه، برآیند آنها این است که پولس در پی آغاز حیاتی جدید به دور از فیلیمون بود و تصادفاً با پولس برخورد کرد.

باید اقرار کنیم که کتاب مقدس نه از آنچه اونیسموس در حین فرار فکر می‌کرد به ما خبر می‌دهد و نه به ما می‌گوید که ملاقات او با پولس در زندان چگونه رخ داد. با این وجود، با ارائهٔ جزئیاتی نشان می‌دهد که او در جستجوی پولس برای وکالت خود بود.

از یک سو، اونیسموس به شهری رفت که پولس در آنجا زندانی بود. او باید کاملاً می‌دانسته که پولس در آنجا سکونت دارد، چون کلیسای کولسی از اپافراس برای خدمت مراقبت از پولس در زندان حمایت می‌کرد. ما در کولسیان ۴: ۱۲-۱۳ در این باره می‌خوانیم که پولس نوشت:

اپافراس به شما سلام می‌رساند که یکی از شما و غلام مسیح است و پیوسته برای شما در دعاهاى خود جد و جهد می‌کند تا در تمامی ارادهٔ خدا کامل و متیقن شوید. و برای او گواهی می‌دهم که دربارهٔ شما و اهل لائودیکیه و اهل هیراپولیس بسیار محنت می‌کشد (کولسیان ۴: ۱۲-۱۳).

از آنجا که اونیسموس اهل کولسی، و اربابش فیلیمون از اعضای برجستهٔ کلیسا بود، احتمالاً اونیسموس می‌دانست که پولس کجاست. و با این آگاهی، همان شهر را به عنوان مقصد خود انتخاب کرد.

علاوه بر این، وقتی اونیسموس به شهر رسید، پیگیر ملاقاتی با پولس بود. پولس تحت بازداشت خانگی بود و نمی‌توانست آزادانه رفت و آمد کند. به همین خاطر، دشوار است که تصور کنیم برخورد اونیسموس با او تصادفی بوده باشد. به احتمال زیاد، اونیسموس عامدانه نزد پولس رفت.

سرانجام، پولس پس از آن به فیلیمون نامه نوشت که اونیسموس خود را در نظر او عزیز کرد. پولس در نامه‌اش به فیلیمون اشاره کرد که او اونیسموس را به ایمان مسیحی آورد و اونیسموس در زندان به او خدمت می‌کند. به عبارت دیگر، دفاع پولس از اونیسموس زمانی انجام شد که او خود را به پولس اثبات کرد. از آنجا که اونیسموس مدتی طولانی نزد پولس ماند تا از وکالت او اطمینان حاصل کند، نشانگر این است که او کاملاً قصد داشت از کمک پولس برای وضعیت خود استفاده کند.

بعد از توجه به درخواست اونیسموس مبنی بر اینکه پولس وکالت او را بپذیرد، آماده‌ایم تا به موافقت پولس با دفاع از اونیسموس در حضور اربابش فیلیمون نگاه کنیم.

موافقت پولس

پولس فوراً با وساطت بین اونیسموس و فیلیمون موافقت نکرد. به هر روی، اونیسموس هم بی‌ایمان بود و هم برده‌ای بی‌ثمر، در حالیکه فیلیمون مردی خوب و با محبت بود. فیلیمون حق داشت که خشمگین باشد و بخواهد اونیسموس را تادیب کند و نشانه‌ای مبنی بر اینکه او بخواهد به شکلی غیر منصفانه یا ناعادلانه این کار را انجام دهد، وجود ندارد. فیلیمون از تمام حقوق برای مجازات اونیسموس برخوردار بود. بنابراین، اگر قرار بود پولس از اونیسموس دفاع کند، باید بر اساس شفقت این کار را می‌کرد. پیش از اینکه او خواستار شفقت دربارهٔ اونیسموس باشد، می‌بایست مطمئن می‌شد که او حقیقتاً توبه کرده است.

عدم تمایل اولیهٔ پولس در این باره، قابل تحسین است. هرچه باشد، بخشش خطاکاران به صرف ترس از آنها از مجازات، احمقانه است. به سخنان پولس دربارهٔ این موضوع در رومیان ۴:۱۳ دقت کنید؛ آنجا پولس دربارهٔ حاکمان مدنی نوشت:

زیرا خادم خداست برای تو به نیکویی؛ لکن هرگاه بدی کنی، بترس چونکه شمشیر را عبث بر نمی‌دارد، زیرا او خادم خداست و با غضب انتقام از بدکاران می‌کشد (رومیان ۴:۱۳).

این قاعده در بسیاری از روابط که ساختار اقتدار بر آنها حاکم است به کار می‌رود؛ مثل روابط والدین و فرزندان، و اربابان و بردگان در ساختار اجتماعی امپراتوری روم در قرن اول. صاحبان قدرتِ خداشناس، تنبیهات مناسب را اجرا می‌کنند چون این کار صحیحی است که باید انجام دهند.

بنابراین، روش صحیح و احتمالاً معمول این بود که وقتی برده یا خدمتگزاری برای درخواست کمک به دوست ارباب خود رجوع می‌کرد، آن دوست پیش از حصول اطمینان کافی از اینکه کار درستی انجام می‌دهد، بر آن ارباب اعمال نفوذ نمی‌کرد.

در مقام مقایسه، بیابید به نمونه‌ای تاریخی توجه کنیم که بردهٔ رومی دیگری برای درخواست کمک به دوست ارباب خود رجوع کرد. کمی پیش از سال ۱۱۱ میلادی، سناتور رومی، پلینی کوچک از طرف برده‌ای آزاد که برای دوستش سیبیانوس کار می‌کرد، نامه‌ای به او نوشت که در طول تاریخ حفظ شده است. به این گزیده از نامهٔ پلینی گوش کنید:

بردهٔ آزاد تو که از او خشمگین بودی، نزد من آمده است. خود را به پای من انداخت و چنان خویشتن را به من ملصق ساخت که گویی من، تو هستم. او با اشک‌های فراوان از من استدعای کمک داشت... و مرا نسبت به ندامت حقیقی

خویش متقاعد کرده است. باور دارم که او اصلاح شده، چون خطای خود را درک کرده است... او را به جوانی، اشک‌هایش و قلب مهربان خودت ببخش، و بیش از این خویش و وی را عذاب نده.

درست مانند اونیسموس، این برده آزاد که برای سیبیانوس کار می‌کرد هم برای دریافت کمک به دوست ارباب خود رجوع کرد. و درست مانند پولس، پلینی نیز تا وقتی که برده آزاد توبه حقیقی و نیت خوب خود را ثابت نکرد، با وساطت برای او موافقت نکرد.

بنابراین، می‌توانیم تصور کنیم که اونیسموس در ابتدا نزد پولس ماند تا او را نسبت به نیت خوب خود متقاعد کند. و طی این زمان، پولس انجیل را برای او موعظه کرد، و روح‌القدس او را به سوی ایمان به مسیح آورد. از آنجایی که ایمان حقیقی همیشه با توبه از گناهان همراه است، می‌توانیم نتیجه بگیریم که اونیسموس از تمام گناهانش که فیلیمون را سخت خشمگین ساخته بود، توبه کرد. و اونیسموس با حیات جدیدی که در مسیح پیدا کرد، تبدیل به انسان تازه‌ای شد و خود را وقف خدمت به پولس رسول در زندان ساخت. در مقابل، پولس عمیقاً به این فرزند جدید خدا اهمیت می‌داد و او را مانند پسر خود محبت می‌کرد.

وقتی اونیسموس توانست لطف پولس را به دست بیاورد، وقت آن بود که نزد فیلیمون برگردد. بنابراین، در حالی که حامل نامه شفاعت پولس بود، به سمت کولسی راه افتاد. با توجه به نامه پولس به فیلیمون، اونیسموس قانوناً می‌توانست همراه پولس بماند و همچنان فراری محسوب نشود. اما اخلاقاً، این بهترین راه‌حل نبود. بلکه، ارزش‌های مسیحی نیکوکاری و صلح بازگشت او نزد فیلیمون را ایجاب می‌کرد.

دلیل این را می‌توان در فیلیمون ۱۲-۱۶ یافت که پولس نوشت:

او را که پاره تن من است نزد تو باز می‌فرستم. می‌خواستم نزد خود نگاهش بدارم... اما نخواستم کاری بدون موافقت تو کرده باشم، تا احسانت از روی میل باشد، نه به اجبار... او مرا بس عزیز است، اما تو را به مراتب عزیزتر است، خواه در مقام یک انسان و خواه در مقام برادری در خداوند (فیلیمون ۱۲-۱۶، هزاره نو).

پولس اونیسموس را نزد فیلیمون پس فرستاد چون می‌خواست هر بخششی از طرف او داوطلبانه باشد و نه از روی اجبار؛ و نیز چون می‌خواست که فیلیمون و اونیسموس به عنوان برادران در مسیح با یکدیگر آشتی کنند. به احتمال زیاد، آشتی آنان به بهترین شکل از طریق ملاقاتی رو در رو اتفاق می‌افتاد که در آنجا اونیسموس می‌توانست توبه کند و از فیلیمون بخشش بطلبد، و فیلیمون نیز می‌توانست سخاوتمندانه او را ببخشد و بپذیرد. با توجه به ستایش فیلیمون از سوی پولس به عنوان یک مسیحی عمیقاً با محبت، و دفاع محکم پولس از اونیسموس، به نظر می‌رسد که پولس انتظار نتیجه دیگری جز این را نداشت.

ساختار و محتوا

حال که پیش‌زمینه رساله پولس به فیلیمون را بررسی کردیم، آماده‌ایم تا به ساختار و محتوای این نامه پردازیم و به راهکارها و استدلال‌های خاصی نگاه کنیم که پولس برای میانجی‌گری میان اونیسموس و فیلیمون استفاده کرد.

نامه پولس به فیلیمون به اشکال مختلفی بی‌نظیر است. از یک سو، تنها نامه کائنی پولس است که بر تعلیم متمرکز نیست. پولس این نامه را به عنوان یک وکیل نوشت و نه معلم. از سوی دیگر، تقریباً در هر نامه دیگری، پولس با ارجاع به اقتدار رسولانی خود، دستور می‌دهد کارها به همان گونه‌ای که فرمان داده انجام شوند. اما در نامه به فیلیمون، انتخاب صریح او این بود که به دوست خود دستور ندهد، بلکه به عنوان همکار انجیل به او نزدیک شود و از او لطفی بخواهد. و علاوه بر این، نامه به فیلیمون، خصوصی‌ترین نامه پولس است که نگرانی عمیق او هم برای اونیسموس و هم برای فیلیمون را نشان می‌دهد و بر اساس دوستی‌شان، درخواست‌هایی دارد. به طور خلاصه، در رساله فیلیمون یک مرد فروتن خدا را می‌بینیم که در عمل مسئولیت می‌پذیرد، از دیگران پاسخگویی می‌خواهد، و محبت مسیح را نشان می‌دهد. و بنابراین، وقتی که به جزئیات این نامه می‌پردازیم، به رفتار و اعمال مسیحی پولس توجه خواهیم کرد، و خواهیم دید که چطور آرمان‌هایی که در دیگر نامه‌های زندان از آنها صحبت کرد را خود به جا آورد.

بحث ما درباره ساختار و محتوای رساله پولس به فیلیمون، طرح کلی نامه را دنبال می‌کند که با تحیات در آیات ۱-۳ آغاز می‌شود، با شکرگزاری پولس برای فیلیمون در آیات ۴-۷، و درخواست او از طرف اونیسموس در آیات ۸ تا ۲۱ ادامه می‌یابد، و در نهایت با تحیات پایانی در آیات ۲۲-۲۵ خاتمه پیدا می‌کند. بیایید با نگاه به تحیات در آیات ۱-۳ شروع کنیم.

تحیات

تحیات که در آیات ۱-۳ به چشم می‌خورد، پولس را به عنوان نویسنده اصلی نامه معرفی می‌کند، و توضیح می‌دهد که نامه از طرف تیموتائوس نیز هست. این بخش شامل نام و نشانی است که فیلیمون را به عنوان گیرنده اصلی نامه معرفی می‌کند و چند نفر دیگر را نام می‌برد که می‌بایست شاهدین این نامه می‌بودند: آپفیا، آرخیپوس، و جماعت کلیسای محلی‌ای که فیلیمون عضو آن بود.

پولس می‌دانست که تقاضای بزرگی از فیلیمون دارد و شاید انجام این لطف برای فیلیمون دشوار بود. بنابراین، پولس به جای اینکه اجازه بدهد مشکل بین فیلیمون و اونیسموس خصوصی باقی بماند، از خانواده و کلیسای او دعوت کرد تا شاهد دفاع او از اونیسموس باشند. شکی نیست که او امیدوار بود تا چشمان نظاره‌گر بسیاری

از هم‌ایمانان، فیلیمون را بیشتر تشویق کند که نسبت به اونیسوس بخشنده باشد. تحیات با کلامی معمول در قالب یک برکت کوتاه پایان می‌پذیرد.

شکرگزاری

پس از تحیات، شکرگزاری پولس برای فیلیمون را در آیات ۴-۷ می‌بینیم. پولس معمولاً یک بخش شکرگزاری در این بخش از نامه‌های خود می‌گنجاند. او عمدتاً از محبت فیلیمون به کلیسا صحبت کرد و خدا را برای طرقي که فیلیمون هم‌ایمانان خود را در کولسی برکت داده بود شکر کرد. او با این سخنان در فیلیمون ۵-۷ از او ستایش کرد:

وصف... محبتت به همه مقدسین را می‌شنوم... محبت تو مرا سخت شاد و دلگرم کرده است، چه تو به دل‌های مقدسین طراوت و تازگی بخشیده‌ای (فیلیمون ۵-۷، هزاره نو).

پولس نگفت که فیلیمون چه کاری انجام داده است اما اشاره کرد که برای مقدسین طراوت‌بخش بوده است. احتمالاً فیلیمون به آنها کمک مالی کرده، یا عملی برای خدمت به آنها انجام داده، یا منفعت دیگری به آنها رسانده بود. هرچه که بود، فیلیمون آن را به خوبی و با خوشی انجام داده بود. و از آنجا که اونیسوس نیز اکنون به عضویت کلیسا در آمده بود، پولس از فیلیمون انتظار داشت که همان محبت را نشان دهد. مشکل بین فیلیمون و اونیسوس را در نور تعلیم پولس در کولسیان ۳: ۱۲-۱۴ در نظر بگیرید که پولس اینطور نوشت:

پس مانند برگزیدگان مقدس و محبوب خدا، احشای رحمت و مهربانی و تواضع و تحمل و حلم را بپوشید؛ و متحمل یکدیگر شده، همدیگر را عفو کنید هرگاه بر دیگری ادعایی داشته باشید؛ چنانکه مسیح شما را آمرزید، شما نیز چنین کنید. و بر این همه، محبت را که کمربند کمال است بپوشید (کولسیان ۳: ۱۲-۱۴).

پولس همه کولسیان را که شامل فیلیمون نیز می‌شد، فرا خواند تا به یاد داشته باشند که خدا همه ایمانداران را محبت می‌کند و می‌بخشد. و آنها را تشویق کرد تا بازتاب‌دهنده همان محبت به یکدیگر باشند، در وقت خطا متحمل یکدیگر شوند، و به جای آنکه خواستار غرامت باشند خطایای یکدیگر را عفو کنند. کاربرد این مسائل برای فیلیمون و اونیسوس را می‌توان به سادگی در اینجا دید. اونیسوس به فیلیمون خطا کرده بود - پولس تایید کرد که این موضوع حقیقت دارد. با این حال از فیلیمون خواست که همواره محبت کند،

و به اونیسموس همان محبتی را نشان دهد که به دیگر ایمانداران نشان داده بود. او از فیلیمون خواست در برابر خطایی که در حق او شده بود، شکیبایی به خرج دهد و به جای اینکه اونیسموس را مجازات کند، او را ببخشد. پولس با شهادت بر محبت فیلیمون، او را تشویق کرد تا در شخصیت خود ثابت قدم باشد و اجازه ندهد که در مورد اونیسموس، خشم او بر محبتش غلبه کند.

درخواست

بعد از بخش شکرگزاری، پولس درخواست خود از فیلیمون را در آیات ۸-۲۱ انجام داد. این درخواست نمایانگر هدف اصلی نامه است؛ یعنی دفاع از اونیسموس در حضور فیلیمون. ما با تقسیم این درخواست به شش عنصر، آن را بررسی می‌کنیم:

- شرحی از نقش پولس به عنوان مدافع در آیات ۸-۱۰
- شرحی از نقش اونیسموس به عنوان خواهان در آیات ۱۱-۱۳
- شرحی از نقش فیلیمون به عنوان ارباب در آیه ۱۴
- شرحی از نقش خدا به عنوان حاکم دورانیش جهان در آیات ۱۵-۱۶
- درخواست خود پولس در آیات ۱۷-۲۰
- و اظهار اطمینان پولس نسبت به موافقت با درخواست او در آیه ۲۱

بیاید با شرح پولس از نقش خود به عنوان مدافع شروع کنیم.

پولس مدافع

به کلام پولس در فیلیمون ۸-۱۰ گوش کنید:

هرچند در مسیح این جسارت را دارم که تو را به انجام آنچه سزاوار است حکم کنم، ترجیح می‌دهم بر پایه محبت استدعا کنم. پس من، پولس پیر، که اکنون نیز زندانی مسیح عیسیم، درباره پسر اونیسموس که در بند او را پدر شده‌ام، استدعایی از تو دارم (فیلیمون ۸-۱۰، هزاره نو).

چون پولس، رسول مسیح بود، از این اقتدار برخوردار بود فیلیمون را به انجام کار صحیح فرمان دهد. اما در عوض او طوری به فیلیمون نوشت که برای او اهمیت داشته باشد و احساس عاطفه او را بر انگیزد.

پولس در این متن مانند مرد پیر ضعیفی صحبت می‌کند که به کمک احتیاج دارد. این ممکن است برای کسانی که با سبک نوشتاری مقتدر او در نامه‌های دیگر آشنا هستند، بسیار عجیب باشد. پولس معمولاً از مردم می‌خواست که به اقتدار او احترام بگذارند و از تعالیم او اطاعت کنند. آیا او صرفاً می‌کوشید که احساسات فیلیمون دل‌رحم را در دست بگیرد؟ خیر. این فقط جنبه دیگری از پولس حقیقی بود که ما آن را اغلب در نامه‌های دیگر او نمی‌بینیم.

از دوم قرن‌تین ۱۰: ۱۰ بشنوید که منتقدین پولس در قرن‌تس، چطور درباره این جنبه دیگر او صحبت می‌کردند:

رساله‌های او گران و زور آور است، لیکن حضور جسمی او ضعیف و سخنش حقیر (دوم قرن‌تین ۱۰: ۱۰).

منتقدین پولس به او حمله می‌کردند که خود را در رسالاتش قوی نشان می‌دهد، اما حضوراً فروتن و افتاده است. پولس به طور حضوری می‌توانست فردی بسیار ملایم بود. این نباید باعث تعجب ما شود؛ به هر روی پولس دائماً در تلاش بود تا مانند مسیح باشد، که می‌دانست کی باید قوی و کی باید فروتن باشد. به تعلیم پولس فیلیپیان ۲: ۵-۸ توجه کنید:

همین فکر در شما باشد که در مسیح عیسی نیز بود که... خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و... خویشتن را فروتن ساخت و تا به موت بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید (فیلیپیان ۲: ۵-۸).

عیسای مسیح، خدای مجسم، یک معلم قوی بود. اما خود را تا به آنجا فروتن ساخت که به مخلوقات صرف اجازه داد او را به اعدام جنایتکاران پست بسپارند. پس درست این بود که رسول او نیز به شکلی مشابه، گاهی حضوری قوی داشته باشد، و در دیگر زمان، نیازمند دیگران و ملایم باشد. پولس نیازی به فریب یا تحریک احساسات فیلیمون نداشت - او یک رسول بود. اگر می‌خواست، می‌توانست خواستار اطاعت فیلیمون شود. و اگر چنین می‌کرد، احتمالاً فیلیمون تبعیت می‌کرد. اما پولس می‌خواست که فیلیمون با محبت حقیقی مسیحی به این وضعیت پاسخ دهد. بنابراین، او با رجوع به قلب فیلیمون از او خواست تا به مردی پیر در زندان و برادری نو ایمان در مسیح که او را در زندان خدمت می‌کرد، رحم و شفقت داشته باشد. و از همین منظر بود که پولس دفاعیه خود از اونیساموس را مطرح کرد.

پولس پس از معرفی خود به عنوان مدافع اونیسموس، در آیات ۱۱-۱۳ درباره خود اونیسموس صحبت کرد. او همچنین با جزئیات بیشتر به توضیح رابطه خود با اونیسموس پرداخت که منجر شد پولس رسول درخواست اونیسموس را به حضور فیلیمون بیاورد.

اونیسموس خواهان

پولس در فیلیمون ۱۱-۱۳ اینطور نوشت:

او در گذشته برای تو بی‌فایده بود، اما اکنون هم تو را و هم مرا مفید است... می‌خواستم نزد خود نگاهش بدارم تا در مدتی که به‌خاطر انجیل در بندم، سهم تو را در خدمت به من بر عهده گیرد (فیلیمون ۱۱-۱۳، هزاره نو).

اونیسموسی که پولس در اینجا توصیف می‌کند، از مردی که نزد او آمد و میانجی‌ای نیاز داشت، بسیار متفاوت است. اونیسموس قبلاً یک برده بی‌فایده بود. اما حالا به مسیح ایمان آورده بود؛ از گناهانش توبه کرده، راه‌های خود را اصلاح کرده، و ایمان نیکوی خود را با تلاش جدی برای خدمت به پولس در زندان نشان داده بود. و چون پولس می‌دانست که فیلیمون مردی با محبت است، انتظار داشت که او نیز از خبر خوش ایمان اونیسموس به مسیح شادی کند، و خطایای او را ببخشد، چنانکه هر مسیحی دیگری که علیه او مرتکب خطایی می‌شد را می‌بخشید.

پولس، بازی با کلماتی را در آیات ۱۱-۱۳ گنجانده که بر تغییر اونیسموس تاکید می‌کرد. مشخصاً، کلمه کِریستُس (chrēstos) به شکل جالب توجهی شبیه کلمه کِریستُس (christos) به معنای «مسیح» بود. کلمه‌ای که پولس برای «بی‌فایده» استفاده کرد، «آکریستُس» (achrēstos) بود، که پیشوند «آ» به معنای نفی است و ریشه کِریستُس «مفید» معنی می‌دهد. به طریق مشابه، کلمه‌ای که پولس برای «مفید» استفاده کرد، یوکریستُس (euchrēstos) بود؛ با پیشوند «یو» به معنای «خوب» یا «نیک» و ریشه کِریستُس که دوباره به معنای «مفید» بود. و بازی با کلمات این بود: وقتی اونیسموس آکریستُس یا «بدون مسیح» بود، آکریستُس یا «بی‌فایده» بود. اما وقتی کِریستُس را به عنوان خداوند پذیرفت، یوکریستُس یا «بسیار مفید» شد.

پولس همچنین به شیوه‌هایی اشاره کرد که اونیسموس از آن طریق شروع به جبران تخلفات خود کرده بود. همانطور که او نوشت، اونیسموس جای فیلیمون در خدمت به پولس را می‌گرفت.

در دنیای باستان امر غیر معمولی نبود که یک ارباب، برده خود را به فرد دیگری قرض دهد. این عمل به درستی نوعی هدیه محسوب می‌شد چون ارباب، در طی زمان این قرض از خدمات برده بهره‌ای نمی‌برد و در عوض تمام منافع شامل حال دوستی می‌شد که برده به او قرض داده شده بود. در این مفهوم، فیلیمون حقیقتاً از طریق

اونیسوس در حال خدمت به پولس بود. به همین دلیل است که پولس گفت اونیسوس نه تنها برای او مفید بود، بلکه برای فیلیمون نیز. بنابراین، فیلیمون اکنون حتی دلایل بیشتری برای بخشندگی نسبت به اونیسوس داشت. سر آخر در این بخش، پولس اشاره کرد که اونیسوس را به نزد فیلیمون پس می‌فرستد که احتمالاً نامه پولس برای فیلیمون را به او برساند و نیز تیخیکوس را در سفرش همراهی کند. پولس در آیه ۱۲ فیلیمون به این موضوع اشاره کرد و نوشت:

او را... نزد تو باز می‌فرستم (فیلیمون ۱۲، هزاره نو).

اونیسوس به کولسی بر می‌گشت تا با امید به صلح با فیلیمون و حتی آزادی، خواهان بخشش او شود. اونیسوس فراری نبود و بر می‌گشت تا با داوری ارباب خود روبرو شود.

فیلیمون ارباب

پولس پس از توصیف نقش خود به عنوان مدافع، و اونیسوس به عنوان خواهان، ادامه داد و در آیه ۱۴ درباره نقش فیلیمون به عنوان ارباب صحبت کرد:

نخواستم کاری بدون موافقت تو کرده باشم، تا احسانت از روی میل باشد، نه به اجبار (فیلیمون ۱۴، هزاره نو).

پولس می‌خواست که فیلیمون خودش انجام کار صحیح را انتخاب کند. بنابراین روشن کرد که درخواست او یک تقاضا است و نه فرمان رسولی.

شاید او می‌خواست که دوستش با انجام کار صحیح برای دلیل صحیح، پاداش آسمانی به دست بیاورد. و احتمالاً فکر کرد که یک صلح داوطلبانه بین این دو مرد، می‌تواند برادری آنها در مسیح را بسیار قوی‌تر کند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که پولس می‌خواست احترام خود به فیلیمون را نشان دهد و نیز به رحمت او فرصت و امکان دو دلی بدهد. بعد، اگر فیلیمون کار درست را در حق اونیسوس انجام می‌داد، می‌توانست تشویق بسیار بزرگتری برای پولس و کلیسا به همراه داشته باشد. استدلال پولس در فیلیمون ۷-۹ همین بود که نوشت:

محبت تو مرا سخت شاد و دلگرم کرده است، چه تو به دل‌های مقدسین طراوت و تازگی بخشیده‌ای. از این رو، هرچند در مسیح این جسارت را دارم که تو را به انجام آنچه سزاوار است حکم کنم، ترجیح می‌دهم بر پایه محبت استدعا کنم (فیلیمون ۷-۹، هزاره نو).

اساساً، محبت و وفاداری فیلیمون به کلیسا در گذشته، مشوق پولس بود که فکر کند که فیلیمون به اونیسوس نیز محبت و وفاداری نشان خواهد داد.

با وجود همه اینها، پولس به دلایل مختلفی انتخاب کرد تا فیلیمون را به این سنت رومی وا گذارد که ارباب را بر مسند قضاوت بر برده خود می‌نشانند. او می‌توانست با سخت‌گیری، تصمیم به تادیب اونیسوس بگیرد. یا می‌توانست با رحمت قضاوت کند و اونیسوس را به خاطر مسیح، و به خاطر دوستش پولس رسول، ببخشد. با وجود اینکه پولس کاملاً روشن کرده بود که تصمیم درست چیست، اما انتخاب واقعا به خود فیلیمون بستگی داشت.

خدای حاکم

پولس پس از چپ‌نشین طرف‌های مختلف انسانی، نقش خدا به عنوان حاکم دورانیش را در آیات ۱۵ و ۱۶ به فیلیمون یادآوری کرد. در این بخش، پولس به خیریت عظیم‌تری پرداخت که در صورت پاسخ مثبت فیلیمون به درخواست او، خدا می‌توانست از گناه اونیسوس ایجاد کند.

پولس با نوشتن این سخنان تشویق‌آمیز به فیلیمون، در آیات ۱۵-۱۶ به دورانیشی خدا اشاره کرد:

چه بسا که از همین رو اندک زمانی از تو جدا شد تا برای همیشه نزدت بازگردد، اما دیگر نه چون غلام، بلکه بالاتر از آن، چون برادری عزیز. او مرا بس عزیز است، اما تو را به مراتب عزیزتر است، خواه در مقام یک انسان و خواه در مقام برادری در خداوند (فیلیمون ۱۵-۱۶، هزاره نو).

خداوند با دورانیشی خود، همه چیز را در جهان کنترل می‌کند. او گاهی اجازه می‌دهد امور بد اتفاق بیفتند تا هدف نیکوی او به انجام برسد. پولس این موضوع را مطرح می‌کند که در این مورد، خدا وقایعی را برای برخورد بین فیلیمون و اونیسوس ترتیب داد که اونیسوس مجبور شود در طلب یاری پولس برای دفاع از خود بر بیاید. و خداوند اجازه داد اینچنین شود تا اونیسوس از طریق خدمت پولس به مسیح ایمان بیاورد، و در پی آن به عنوان فردی برابر در خداوند، با فیلیمون آشتی کند.

پولس با صحبت از کنترل دوراندیشانه جهان توسط خداوند، از فیلیمون خواست تا از کشمکش خود با اونیسوس قدمی عقب برود تا آن را از منظره نقشه خداوند ببیند. بله؛ فیلیمون خشمگین بود و حق داشت که باشد. اما مشکلات او با اونیسوس در مقایسه با برکاتی که خدا از طریق نزاع آنها بخشیده بود، ناچیز بودند. فیلیمون مرد خوبی بود، و وقتی متوجه شد که خداوند کشمکش بین او و اونیسوس را ترتیب داد تا روحی گمشده را نجات دهد، احتمالاً همانطور که پولس امیدوار بود، خشم او به شادی تبدیل شد.

درخواست

پولس پس از معرفی تمام شخصیت‌هایی که در این شفاعت دخیل بودند، نهایتاً در آیات ۱۷-۲۰ درخواست خود را مطرح کرد. او مشخصاً از فیلیمون خواست که اونیسوس را ببخشد، و در صورت انتخاب فیلیمون برای اخذ غرامت از برده‌اش، پولس خود را به عنوان بدل اونیسوس پیشنهاد کرد. این درخواست دو جنبه پولس در فیلیمون ۱۷-۱۸ خلاصه شده است:

او را همان‌گونه بپذیر که مرا می‌پذیری. اگر خطایی به تو کرده، یا چیزی به تو بدهکار است، آن را به حساب من بگذار (فیلیمون ۱۷-۱۸، هزاره نو).

به آنچه پولس در اینجا انجام داد دقت کنید؛ او برای یک لطف شخصی به فیلیمون مراجعه کرد، گویی که خودش شخصی بود که به فیض فیلیمون احتیاج داشت. او بر سر این مشاجره نکرد که اونیسوس استحقاق بخشش از سوی فیلیمون را داشت. بلکه بر عکس، به طور ضمنی تایید کرد که اونیسوس مستحق مجازات است. و از فیلیمون نخواست تا رحمتی مسیح‌گونه نشان دهد.

به عبارت دیگر، پولس به مثال یک وکیل مدافع در کنار اونیسوس نایستاد تا فیلیمون را به خاطر اونیسوس به بخشندگی ترغیب کند. بلکه در عوض، پولس مانند پدر و محافظ اونیسوس جلوی او ایستاد تا در برابر فیلیمون از او محافظت کند، و دلایلی به فیلیمون ارائه کرد که فیلیمون می‌بایست به خاطر پولس بخشنده می‌بود.

گوش کنید که پولس چگونه درخواست خود را در آیه ۲۰ به پایان برد:

ای برادر، آرزو دارم در خداوند نفعی از تو به من برسد؛ پس جان مرا در مسیح تازه ساز (فیلیمون ۲۰، هزاره نو).

پولس امیدوار بود که فیلیمون به وی احترام خواهد گذاشت و رحمت خود را تا به پسر روحانی پولس، اونیسوس، خواهد گسترانید. و بنابراین، پولس در درخواست خود از فیلیمون خواست تا با رحمت نشان دادن به پسرش که او را با تمام دل خود محبت می‌کرد، در واقع به پولس رسول خدمت کند.

به زبان پولس در اینجا دقت کنید. ابتدا، پولس از فیلیمون خواست که به او «نفعی» برساند و برای این از فعل یونانی «اونینمی» (oninēmi) استفاده کرد که نام اونیسوس از آن گرفته شده بود. اساساً او از فیلیمون می‌خواست که از نمونه برده خود در نفع رساندن به پولس پیروی کند. دوم، پولس استفاده از کلمه «تازه» را تکرار کرد. در آیه ۷، پولس فیلیمون را برای طراوت و تازگی بخشیدن به مقدسین، ستود. در اینجا او فیلیمون را تشویق کرد تا با تازه کردن رسول زندانی نیز، راستی خود را نشان دهد.

محققان سوالات زیادی درباره جزئیات درخواست پولس پرسیده‌اند. بعضی از آنها باور دارند که پولس صرفاً از فیلیمون می‌خواست که رفتاری توأم با رحمت و بخشندگی نسبت به اونیسوس داشته باشد، و در پی مجازات یا حتی دریافت غرامت بابت خطایی که انجام داده بود نباشد. برخی دیگر باور دارند که تقاضای پولس بیش از این بود و احتمالاً او طالب آزادی اونیسوس بود.

شاید این موضوع به طور ضمنی توسط پولس در آیات ۱۵ و ۱۶ بیان شده است که نوشت:

تا برای همیشه نزدت بازگردد، اما دیگر نه چون غلام، بلکه بالاتر از آن، چون برادری عزیز (فیلیمون ۱۵-۱۶، هزاره نو).

می‌توان این آیه را اینطور خواند که پولس از فیلیمون می‌خواست تا اونیسوس را آزاد کند و او دیگر برده نباشد. این ایده زمانی تقویت می‌شود که به واژه یونانی «آنینی» (aiōnion) دقت کنیم که در اینجا استفاده شده و به معنای «ابدیت» است. با وجود اینکه بردگی رومی معمولاً دائمی بود، به معنای دقیق، توافقی موقتی بود؛ بنابراین پولس نمی‌توانست به فیلیمون اطمینان دهد که اونیسوس تا ابد برده مفید او باقی خواهد ماند. اما روابط ما در مسیح حقیقتاً تا ابد پابرجا خواهند ماند. همین ما را بر می‌انگیزد تا کنایه به فیلیمون برای آزادسازی اونیسوس را در این آیه ببینیم.

در عین حال، مهم است تشخیص دهیم که پولس تعلیم نداد که ایمان مسیحی، تمام اربابان مسیحی را ملزم می‌ساخت که بردگان ایماندار خود را آزاد کنند. در اول قرن‌تین ۷: ۲۱ او تعلیم داد که آزادی بر بردگی ارجح است. اما دستورات او به خانواده‌هایی که در آنها اربابان ایماندار، صاحب بردگان ایماندار بودند صحبتی از آزادسازی نمی‌کند. برای مثال، او در اول تیموتائوس ۶: ۲ چنین تعلیم داد:

آنان که اربابان‌شان ایماندارند، نباید به دلیل رابطه برادری، ایشان را کمتر حرمت بگذارند. بلکه برعکس، باید حتی نیکوتر خدمت کنند، زیرا سود خدمت‌شان به کسانی می‌رسد که ایماندار و عزیزند (اول تیموتائوس ۶: ۲، هزاره نو).

از آنجا که برده‌داری در طول تاریخ وسیله سوءاستفاده‌های وحشتناکی بوده است، شاید عجیب به نظر برسد که پولس اینطور صحبت کند. به هر حال، وقتی اکثر ما مردمان امروزی به برده‌داری فکر می‌کنیم، ذهن‌مان فوراً مظالم وحشتناکی را به یاد می‌آورد که در تجارت بردگان افریقایی رخ داده‌اند. ما به مردمانی فکر می‌کنیم که اجباراً به بردگی وا داشته شدند، از خانواده‌های‌شان جدا شدند، و در معرض برخی از غیر انسانی‌ترین رفتارهای قابل تصور قرار گرفتند.

به آنها تجاوز می‌شد، مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند، بر آنها داغ گذاشته می‌شد، و به قتل می‌رسیدند. و باعث شرم است که بسیاری از مسیحیان با رجوع به نحوه رویکرد کتاب مقدس به برده‌داری باستان، از این وحشی‌گری دفاع کردند. اما آنها به طرز غم‌انگیز و ویرانگری در اشتباه بودند. نه پولس، و نه هیچ نویسنده دیگری کتاب مقدس چنین اعمالی را تایید نمی‌کرد. بلکه برعکس، آنها به شدیدترین شکل ممکن چنین رفتارهایی را محکوم می‌کردند.

اما در محیطی که پولس در آن قرار داشت، برده‌داری متفاوت بود. برده‌داری معمولاً یک توافق مثبت اقتصادی بود؛ به‌خصوص وقتی که ارباب و برده هر دو مسیحی بودند. واقعیت این بود که ارباب و برده هر دو در یک خانه زندگی می‌کردند و از طرف خدا ملزم بودند که به یکدیگر خدمت و محبت کنند. آنها تمام و کمال اعضای یک خانواده بزرگ بودند.

چون این روابط می‌توانست به طرقی انجام شود که هم خدایسندانه و هم برای تمام طرفین مفید باشد، پولس به کلیسا تعلیم نداد که نهادهای اجتماعی را از بین ببرند. در عوض، او به آنها تعلیم داد تا برده‌داری را به روشی مسیح‌گونه انجام دهند.

می‌توانیم مطمئن باشیم که پولس، بهترین را برای اونیساموس می‌خواست و نیز اینکه فیلیمون می‌دانست چطور توقعات پولس رسول را بر آورده کند. اما لحن مبهم پولس در اینجا، درک این موضوع را برای ما غیرممکن می‌کند که آیا او فقط از فیلیمون می‌خواست که اونیساموس را ببخشد و مانند برده‌ای محترم در خانه خود با او رفتار کند، یا اینکه خواستار آزادی قانونی او بود. با عدم آگاهی از جزئیات بیشتر درباره مهارت‌ها و شرایط اونیساموس، برای‌مان دشوار است که حدس بزنیم کدام حالت برای او مفیدتر می‌بود. اما در تمام موارد، واضح است که درخواست پولس برای این بود که یک زندگی خوب برای اونیساموس تامین کند؛ زندگی‌ای که در آن با افتخار و احترام مسیحی با او رفتار می‌شد و کلیسا محبت و رحمت نشان می‌داد.

اطمینان

در آخر، پولس پس از ارائه درخواست خود به فیلیمون، موضوع را با یک اظهار اطمینان در آیه ۲۱ به پایان برد. در اینجا پولس باور خود را بیان می‌کند که فیلیمون آنچه او درخواست کرده را انجام خواهد داد. این سخنان پایانی درخواست پولس را در آیه ۲۱ می‌خوانیم:

این را می‌نویسم چون از اطاعت تو اطمینان دارم و می‌دانم حتی بیش از آنچه می‌گویم، خواهی کرد (فیلیمون ۲۱، هزاره نو).

پولس دو دلیل قوی در دست داشت که باور کند فیلیمون با درخواست او موافقت خواهد کرد. نخست، فیلیمون به پولس احترام می‌گذاشت و به او محبت داشت و همین انگیزه‌ای بود که بخواهد او را خشنود کند. و دوم، فیلیمون به کلیسا محبت داشت، که اونیساموس به آن پیوسته بود.

کلام خدا پاسخ فیلیمون را برای ما ثبت نکرده و نیز از آنچه برای اونیساموس اتفاق افتاد به ما نمی‌گوید. به مدت چندین قرن این باور وجود داشت که فیلیمون او را آزاد کرد و وی در نهایت اسقف افسس شد و در سال ۹۵ میلادی در روم به شهادت رسید. در واقع اسقف اونیساموسی وجود داشت که در قرن اول جانشین تیموتائوس شد.

اما در حقیقت، اونیساموس نام متداولی بود و شاید اونیساموس برده همان اونیساموس اسقف نباشد. در عین حال، یک مسیحی که از پولس تعلیم گرفته بود می‌توانست به مدارج بالا صعود کند؛ بنابراین نمی‌توانیم این احتمال را نادیده بگیریم.

به هر روی، اطمینان پولس به فیلیمون ما را وا می‌دارد که گمان کنیم او بهترین کار را برای اونیساموس را انجام داد. به نظر برخی محققان، حتی این حقیقت که ما امروز نامه پولس به فیلیمون را در دست داریم نشان می‌دهد که او کار درست را انجام داده است؛ وگرنه احتمالاً اگر با درخواست پولس موافقت نمی‌کرد، شواهد این درخواست را از بین می‌برد.

تحيات پایانی

اکنون که به درخواست پولس از فیلیمون نگاه کردیم، باید به قسمت آخر نامه او یعنی تحیات پایانی به فیلیمون و خانواده‌اش بپردازیم که در آیات ۲۲-۲۵ آمده‌اند. این بخش شامل تحیات معمول در آیه ۲۴ و نیز برکتی معمول در آیه ۲۵ است. اما دو نکته در آیات پیشین، شایسته توجهی ویژه هستند.

نخست در آیه ۲۲ پولس گفت که انتظار دارد به زودی از زندان آزاد شود و از فیلیمون خواست تا اتاقی برای او آماده کند. شکی نیست که این موضوع فیلیمون را تشویق می‌کرد تا با درخواست پولس موافقت کند، چون به زودی با او روبرو می‌شد.

دوم، همانطور که پیش‌تر در این درس گفتیم، پولس در آیه ۲۳ سلامی مخصوص از طرف اپافراس فرستاد که نشان می‌داد اپافراس نقش شاهدهی از راه دور را دارد که بر طریق حل اختلاف فیلیمون با اونیسیموس نظارت می‌کند.

حال که پیش‌زمینه رساله پولس به فیلیمون، و نیز ساختار و محتوای آن نگاه کردیم، می‌توانیم درباره کاربردهای امروزی دفاع نمونه پولس از اونیسیموس صحبت کنیم.

کاربرد امروزی

یکی از دلایل اهمیت بالای رساله پولس به فیلیمون، این است که نشان می‌دهد او چطور الاهیات خود را در زندگی خودش به کار گرفت. وقتی به نامه‌های او به کولسیان و افسسیان نگاه می‌کنیم، اظهارات کلی و کاربردهای متصور برای تعالیم او را به فراوانی می‌بینیم که بسیار برای ما مفید هستند. اما در نامه او به فیلیمون، ما از کلیت عبور می‌کنیم و به جزئیات می‌رسیم؛ از تصور به حقیقت، و از تعلیم به عمل می‌رسیم. ما پولس را به عنوان یک مسیحی می‌بینیم که همواره با آموزه‌های خود زندگی می‌کند.

و بنابراین، وقتی به دنبال کاربردهای امروزی کتاب فیلیمون می‌گردیم، باید توجه ویژه‌ای به تطبیق وساطت او بین فیلیمون و اونیسیموس با تعالیم وی در رسالت دیگرش، به خصوص در کولسیان و افسسیان داشته باشیم. در توجه به کاربرد امروزی نامه پولس به فیلیمون، بر سه موضوع تمرکز خواهیم کرد: نخست، نیاز به جواب‌گویی در بین مسیحیان؛ دوم، ارزش شفقت در روابط کلیسایی ما؛ و در آخر، اهمیت مصالحه در خانواده خدا. بیایید با نیاز به مسئولیت‌پذیری در بین مسیحیان شروع کنیم.

جواب‌گویی

همانطور که اشاره کردیم، پولس در نامه خود به فیلیمون، از چند نفر دعوت کرد تا شاهد دفاع او از اونیسیموس باشند که شامل اپفیا، آرخیپوس، اپافراس، و کلیسای محلی کولسی می‌شد. اگرچه پولس دلیل خود برای انجام این کار را با صراحت بیان نکرد، اما به نظر می‌رسد بهترین توضیح این باشد که او امیدوار بود تا چشمان نظاره‌گر آنها مشوق فیلیمون برای انجام عمل صحیح باشند.

این راهکار، با تعلیم او در افسسیان ۵: ۱۱-۲۱ مطابقت داشت. ما به چند بخش از آیات در این متن نگاه می‌کنیم. نخست، افسسیان ۵: ۱۱-۱۵ که پولس اینطور تعلیم داد:

در کارهای بی‌ثمر تاریکی سهیم نشوید، بلکه آنها را افشا کنید. زیرا حتی بر زبان آوردن آنچه چنین کسان در خفا می‌کنند، شرم‌آور است. اما هر آنچه به وسیله نور افشا گردد، آشکارا دیده می‌شود... پس، بسیار مراقب باشید که چگونه رفتار می‌کنید، رفتاری نه چون نادانان بلکه چون دانایان (افسسیان ۵: ۱۱-۱۵، هزاره نو).

پولس تعلیم داد که مسیحیان در معرض گناه قرار می‌گیرند. استدلال او این بود که مرتکبین این گناهان، از آشکار شدن آنها شرم‌منده می‌شوند. به همین خاطر، کار حکیمانه این است که زندگی خود را در معرض نور بگذاریم که یعنی مشارکت در پادشاهی نور، تا از گناه حفظ شویم.

البته، پولس نمی‌گفت که مسیحیان باید پلیس مراقب همدیگر باشند تا کسی هرگز تنها نماند و یا اینکه در زندگی همدیگر تجسس کنیم. بلکه او به حکمت جواب‌گویی اشاره داشت. وقتی چیزی برای پنهان کردن در زندگی مان نداشته باشیم، وقتی دیگران بدانند که چه می‌کنیم، کمتر احتمال دارد که در برابر وسوسه تسلیم شویم. یک دلیلش این است که ما از اینکه دیگران درباره گناهی بدانند که مرتکب می‌شویم، احساس شرمندگی می‌کنیم. در این مورد اونیسموس و فیلیمون، اگر هیچکس درباره نامه پولس نمی‌دانست، و اگر پولس برنامه‌ای برای پیگیری نمی‌داشت، آن وقت هیچکس نمی‌توانست از فیلیمون برای انجام کار صحیح انتظار جواب‌گویی داشته باشد. اما پولس برای عمومی کردن موضوع، اطمینان حاصل کرد که اگر فیلیمون برخوردی خشن با اونیسموس داشته باشد، با مذمت خانواده خود و کلیسای کولسی روبرو خواهد شد. این خطر به او انگیزه می‌داد که کار صحیح را انجام دهد. خود خداوند نیز معمولاً از پتانسیل شرم برای ترغیب قوم خود به انجام کار صحیح در عهد عتیق استفاده می‌کرد.

برای مثال، در حقوق ۲: ۱۶، نبی این سخنان را از طرف خداوند به یهودا اعلام کرد:

تو به عوض جلال، از رسوایی سیر خواهی شد... جام دست راست خداوند به تو خواهد رسید، و رسوایی، جلال تو را خواهد پوشانید (حقوق ۲: ۱۶، هزاره نو).

خداوند یهودا را به رسوایی تهدید کرد تا آنها از گناهان خود برگردند. و در حزقیال ۷: ۱۸، خداوند سعی کرد با این رسوایی به تهدید، اسرائیل را به اطاعت ترغیب کند:

پلاس بر خود خواهند پیچید و وحشت ایشان را در بر خواهد گرفت. همهٔ چهره‌ها را شرم خواهد پوشانید و همهٔ سرها به گری دچار خواهد شد (حزقیال ۷: ۱۸، هزارهٔ نو).

به طریق مشابه، ما گناهان پنهان زیادی در کلیسای امروزی داریم. مسیحیان می‌خواهند که با بسیاری از این گناهان زندگی کنند، اما اگر دیگران دربارهٔ این گناهان بدانند، آنها شرم‌منده خواهند شد. بنابراین، یک راه برای کلیسا که ما را جواب‌گو نگه دارد، این است که ایمانداران در مشارکتی صمیمی باشند.

اما شرمندگی، تنها شکلی از پیش‌گیری نیست که جواب‌گویی مسیحی می‌تواند انجام دهد. بر عکس، نمونهٔ پولس در فیلیمون تاکید می‌کند که مسیحیان باید عموماً از طریق مشارکت پسندیده نسبت به یکدیگر جواب‌گو باشند. به سخنان پولس در افسسیان ۵: ۱۹ گوش کنید:

با یکدیگر به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی گفتگو کنید و در دل‌های خود به خداوند بسرایید و ترنم نمایید (افسسیان ۵: ۱۹).

مسیحیان با گفتن سخنان تشویق‌آمیز به یکدیگر نیز، همدیگر را از گناه باز می‌دارند. در آخر، پولس نشان داد که ما از طریق تسلیم متقابلی که همهٔ ایمانداران باید نسبت به یکدیگر داشته باشند نیز یکدیگر را جواب‌گو نگه می‌داریم. به سخنان او در افسسیان ۵: ۲۱ گوش کنید:

همدیگر را در خدا ترسی اطاعت کنید (افسسیان ۵: ۲۱).

کلیسا باید یک محل مقدس و مشارکت قوم مطیع خدا باشد. و این یعنی مشورت کلیسا باید خداشناسانه و نیکو باشد.

بنابراین، وقتی که ما در مشارکت با یکدیگر زندگی می‌کنیم و همدیگر را به اعمال نیکو تشویق می‌کنیم، باید به راه‌هایی که راهبران کلیسا و سنت‌های مان ما را برای رفتار صحیح آموزش می‌دهند و نیز مشورت ایمانداران حکیم و خداشناس، توجه ویژه‌ای داشته باشیم.

به طور خلاصه، از طریق استفادهٔ پولس از شاهدین در رفتار فیلیمون با اونیسوس، می‌آموزیم که کلیسا می‌تواند با مذمت گناه، تشویق، و گردن نهادن به مشورت حکیمانۀ کلیسا، از گناه جلوگیری کند و مشوق اعمال نیکو باشد.

اکنون که به دلالت‌های نامه پولس به فیلیمون برای جواب‌گویی در کلیسا نگاه کردیم، باید به دومین نکته کاربردی نگاه کنیم: یعنی اهمیت شفقت در روابطمان با دیگر مسیحیان.

شفقت

در بین تمام خصوصیات که مسیح طی خدمت زمینی خود نشان داد، احتمالاً شفقت قابل توجه‌ترین آنها بود. بله؛ او برای تقدس و حرمت غیرتمند بود، و تاکید او بر درست‌کاری و اخلاقیات قابل انکار نیست. او حکمتی بی‌نظیر، راستی، و بزرگی نشان داد.

اما حتی به یاد ماندنی‌تر از اینها، مهربانی، ترحم، توجه، و محبت او به دیگران، اشتیاق او به بخشش، و تمایل وی برای رنج کشیدن بود تا دیگران رنج نکشند. تمام این گزارشات درباره اوست که مرده را زنده کرد، زندگان را تسلی بخشید، بیماران را شفا داد، لنگان را خرامان ساخت، گشنگان را نان داد، و گم‌شده و زخم‌خورده و ترسان را شبانی کرد – و بر صلیب برای آنانی که از او متنفر بودند جان داد. به طور خلاصه، شفقت مسیح است که قلب ما را عمیقاً لمس می‌کند. و همین شفقت است که پولس ما را از طریق تکریم، تعلیم و نمونه خود در نامه به فیلیمون به پیروی از آن تشویق می‌کند.

ما به دو نوع شفقت در نامه پولس به فیلیمون توجه خواهیم کرد. ابتدا با مهربانی و نیکوکاری شروع می‌کنیم، و سپس به اعمال شفاعت و پا در میانی نگاهی خواهیم داشت. بیایید ابتدا به مهربانی به عنوان نمونه‌ای از شفقت مسیحی نگاه کنیم.

مهربانی

وقتی پولس فیلیمون را برای خدمت او به کلیسا تکریم کرد و بعد به همین موارد به عنوان اساس درخواست خود از فیلیمون رجوع کرد، به همه ایمانداران تعلیم داد تا مهربانی و نیکوکاری نشان دهند. به سخنان پولس در فیلیمون ۷-۹ گوش کنید:

محبت تو مرا سخت شاد و دلگرم کرده است، چه تو به دل‌های مقدسین طراوت و تازگی بخشیده‌ای... بر پایه محبت استدعا [می] کنم... من، پولس پیر، که اکنون نیز زندانی مسیح عیسایم (فیلیمون ۷-۹، هزاره نو).

پولس از روش‌هایی که فیلیمون مقدسین را طراوت و تازگی بخشیده بود، دلگرم شده بود و این، راه‌هایی بود که او به ایمانداران مهربانی نشان داده بود. و پولس می‌خواست بر این اساس که مردی پیر و زندانی، و مستحق ترحم و نیازمند به کمک بود، نیکوکاری مشابهی را دریافت کند. همانطور که او در کولسیان ۳: ۱۱-۱۲ نوشت:

مسیح همه و در همه است. پس مانند برگزیدگان مقدس و محبوب خدا، احشای رحمت و مهربانی و تواضع و تحمل و حلم را بپوشید (کولسیان ۳: ۱۱-۱۲).

از آنجا که دیگر ایمانداران با مسیح متحد هستند، ما باید با آنان چنان برخورد کنیم که گویی با خود خداوندمان رفتار می‌کنیم، و چنان که خداوندمان با ما رفتار کرد؛ به آنان توجه فراوان داشته باشیم و نیازهایشان را برطرف کنیم. اینچنین، و از راه‌های فراوان دیگر، پولس نشان داد که مهربانی و نیکوکاری جوانب مهم زندگی مسیحی هستند. و بنابراین، درست مانند پولس و فیلیمون، مسیحیان امروزی نیز باید با ترحم و محبت نسبت به دیگران در کلیسا رفتار کنند، و ما باید در حد توان مان به احتیاجات آنها رسیدگی کنیم.

شفاعت

نوع دوم شفقت که پولس در نامه خود به فیلیمون مشوق آن است، شفاعت بود که یعنی، یک ایماندار مدافع ایماندار دیگری می‌شود. شفاعت می‌تواند اشکال بسیار متعددی داشته باشد. در یک سوی طیف، می‌تواند به سادگی ابراز نظر بدون در نظر گرفتن خود باشد که شرایط را به نفع دیگری تغییر می‌دهد. در سوی دیگر می‌تواند به شدت گذشتن از زندگی خود برای محافظت فرد دیگری باشد که گناهکار است. واضح‌ترین مثال از این نوع شفاعت قربانی مسیح است برای نجات گناهکاران است. و در میانه این طیف، بسیاری انواع دیگر از شفاعت امکان دارند. به سخنان پولس از طرف اونیسوموس در فیلیمون ۱۷-۱۹ گوش کنید:

او را همان‌گونه بپذیر که مرا می‌پذیری. اگر خطایی به تو کرده، یا چیزی به تو بدهکار است... آن را جبران خواهم کرد (فیلیمون ۱۷-۱۹، هزاره نو).

از طریق نمونه پولس، مسیحیان امروزی خوانده شده‌اند تا به طرق مشابه برای دیگر ایمانداران شفاعت کنند. گاهی ما خوانده شده‌ایم تا به شکلی ساده شفاعت کنیم. در مواقع دیگر، شفقت ما برای دیگران شاید ما را به سطح بالاتری از شفاعت برای دیگران بخواند. و در مواردی، شاید شفقت ما را مجبور کند از زندگی خود به نفع حفاظت از دیگران بگذریم. همانطور که پولس در افسسیان ۵: ۱-۲ نوشت:

از خدا سرمشق بگیرید و با محبت رفتار کنید، چنانکه مسیح هم ما را محبت کرد و جان خود را در راه ما همچون قربانی و هدیه‌ای عطرآگین به خدا تقدیم نمود (افسیسیان ۵: ۱-۲، هزاره نو).

حال که به بعضی از راه‌های کاربردی تعلیم پولس در رساله به فیلیمون درباره جواب‌گویی در کلیسا و شفقت نگاه کردیم، آماده‌ایم تا به آخرین موضوع مان بپردازیم: مصالحه ایمانداران با یکدیگر از طریق خداوندمان عیسی مسیح.

مصالحه

وقتی درباره مصالحه صحبت می‌کنیم، لازم است روشن کنیم که منظورمان ایجاد اتحاد و محبت در جایی نیست که اینها وجود ندارند. بلکه، درباره ایجاد اتحاد و محبت در جایی صحبت می‌کنیم که پیش از آن دشمنی وجود داشته است. مصالحه در بخشش و رحمت ریشه دارد و با صبر و رنج طولانی حفظ می‌شود. فرض بر این است که یک منبع منازعه در بین ما وجود دارد اما باید این منازعه را برای چیزی بزرگتر کنار بگذاریم که آن، صلح متقابل با یکدیگر، محبت متقابل برای یکدیگر، و خدمت متقابل به یکدیگر است.

پولس در رساله خود به کولسیان و افسسیان مکرراً از مصالحه بین ایمانداران هم در سطح شخصی و هم در سطح جمعی و قومی صحبت می‌کند. او این مصالحه را به عنوان عنصری اساسی از انجیل توصیف می‌کند. پولس اصرار داشت که فیلیمون و اونیسوس هر دو وظیفه داشتند که رابطه خود را احیا کنند و یکدیگر را بدون کینه، به عنوان برادر در مسیح بپذیرند. اونیسوس به سهم خود می‌بایست از گناهان خود توبه می‌کرد که آن را در زمان ایمان آوردن به مسیح، تحت خدمت پولس انجام داده بود. و به عنوان برده فیلیمون، می‌بایست خود را به داوری او می‌سپرد. فیلیمون نیز در مقابل وظیفه داشت که به اونیسوس محبت کند، رفتاری محبت‌آمیز با او داشته باشد، گناه او را ببخشد، و او را به عنوان برادری در مسیح بپذیرد. به طریقی مشابه، ایمانداران امروزی نیز می‌باید مشتاق توبه و بخشش یکدیگر باشند، و به روابط صحیح باز گردند.

به همین شکل، در زمان پولس بین نژادها و قوم‌های مختلف در کلیسا همچنان تنش، رنجش، و منازعات دیگری وجود داشت و پولس نمی‌گفت که هر کسی چنین کشمکش‌هایی تجربه کند، نجات‌یافته نیست. بلکه او می‌گفت زمینه چنین مشکلاتی توسط مسیح از بین برده شده‌اند؛ پس تمام منازعات قومی و نژادی در کلیسا باطل و در نتیجه گناه‌آلود هستند. برای نمونه، او در افسسیان ۲: ۱۴-۱۶ درباره مصالحه بین یهودیان و غیر یهودیان اینطور نوشت:

او سلامتی ما است که هر دو را یک گردانید و دیوار جدایی را که در میان بود منهدم ساخت... تا که مصالحه کرده، از هر دو یک انسان جدید در خود بیافریند. و تا هر دو را در یک جسد با خدا مصالحه دهد، به وساطت صلیب خود که بر آن عداوت را کشت (افسیسیان ۲: ۱۴-۱۶).

بر طبق استدلال پولس در اینجا، مصالحه بین ایمانداران یهودی و غیر یهودی در مسیح، جنبه‌ای از اتحاد ما با مسیح است و به همین دلیل، قدمی اساسی در مصالحه ما با خدا است.

همین موضوع در زمانه ما دربارهٔ منازعات قومی و نژادی و هر تفاوتی بین ایمانداران که تبدیل به منبع مشکلات شود صادق است. چون ما همه با مسیح متحدیم، بخشوده و مبارک هستیم. به همین دلیل، هیچ مبنایی برای ابراز نارضایتی یا امتناع از مصالحه با ایماندار دیگری نداریم. خداوند ما هر زمینه‌ای برای تضاد بین ما را از بین برده است و به همین دلیل، باید تشخیص دهیم که هر منازعه‌ای بین ما گناه است و باید برای اتحاد، محبت، و نظم در بدن مسیح بکوشیم. به کلام پولس در افسسیسیان ۴: ۳۲ گوش کنید:

با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است (افسیسیان ۴: ۳۲).

و به تعلیم او در کولسیان ۳: ۱۳-۱۵ توجه کنید:

متحمل یکدیگر شده، همدیگر را عفو کنید هرگاه بر دیگری ادعایی داشته باشید؛ چنانکه مسیح شما را آمرزید، شما نیز چنین کنید. و بر این همه محبت را که کمر بند کمال است بپوشید. و سلامتی خدا در دل‌های شما مسلط باشد که به آن هم در یک بدن خوانده شده‌اید و شاکر باشید (کولسیان ۳: ۱۳-۱۵).

ما خوانده شده‌ایم تا تعصبات و نارضایتی‌های خود را کنار بگذاریم، یکدیگر را محبت کنیم، هر مسیحی را از دریچهٔ چشمان مسیح ببینیم، و از صلح با یکدیگر لذت ببریم. مصالحه بین ایمانداران باید در کلیسای امروز یک اولویت باشد.

نتیجه‌گیری

در این درس نگاهی عمیق به رسالهٔ پولس به دوست اهل کولسی‌اش، فیلیمون، انداختیم. به سیری در پیش‌زمینهٔ این نامه پرداختیم، و ساختار و محتوای آن را مطالعه کردیم. و در پایان، به تعدادی از کاربردهای امروزی که بر آمده از نمونهٔ پولس در نامه‌اش به فیلیمون هستند توجه کردیم.

رساله به فیلیمون بخشی کوچک اما شگفت‌انگیز از عهد جدید است. به ما بینشی بی‌نظیر از ارتباط پولس رسول با دیگر ایمانداران می‌بخشد و تصدیق می‌کند که او خود مطابق آموزه‌هایی که تعلیم داد زندگی کرد. فراتر از این، نکات زیادی برای تعلیم به ما دربارهٔ ارزشی که باید برای هر ایماندار در کلیسا قائل باشیم در خود دارد، و روش‌هایی که توجه صحیح به ارزش ایمانداران باید بر زندگی ما تاثیر بگذارد؛ به‌خصوص وقتی به حفظ صحیح روابط مربوط باشد.

وقتی مطابق اصولی زندگی کنیم که پولس در نامهٔ خود به فیلیمون برای ما الگوسازی کرد، قدم‌های بزرگی برای خدمت به یکدیگر و بنای کلیسا در جلال مسیح بر خواهیم داشت.